



۲۰۱۸/۰۹/۳۰

محمد عارف عباسی

اجلاس بزرگ کابل



چندی قبل از رسانه های داخلی و خارجی خواندیم و شنیدیم که اجلاس بزرگی در کابل به ریاست حضرت صبغت الله مجددی پیر مرد سال خورده ای که در فریب دادن عزرائیل مشغول است دائر و در آن حامد کرزی رئیس جمهور فعال، غم خوار، دلسوز وطن و منتخب مردم! رؤسای تنظیمی صلح دوست، بشر خواه، صادق، وطن پرست که مورچه زیر پای شان آزار نیافته! و اعضای پرکار و پر تلاش با خدمات برازنده و دست آورد هایی بر مبنای منافع ملی حکومت کرزی!، نمایندگان احزاب چپ و راست با سوابق نیکوکاری و خصائل والای بشری و مبارزات پی گیر علیه خون ریزی، سرقت و قاچاق بری و غصب دارایی عامه! گرد هم آمدند و ضمن حرافی روی ناکامی حکومت و بحران عظیم کنونی (که قابل چشم پوشی نیست) آهنگ پیدا کردن راه حل نمودند.

یقیناً که این کله ها را باز سودای به قدرت رسیدن است و دل های شان در هوس مقام گرفتن می تپد. در فرهنگ افغانستان ثروت خود خواهی را اطفاء نتوانسته قدرت و لوی سلامی کیفیت دیگر دارد.

اگر این جلسه در ختم پیشنهادات معقول و عملی برای بهبود حال می داشتند و آن را به حکومت سفارش می کردند طبعاً اعتراضی نبود، ولی هدف این اجلاس بزرگ پیدا کردن راه حل برای رفع بحران نبوده بلکه تونل کنی زیر ارگ است و اعاده قدرت همان چپاولگران و خدام بیگانگان است.

با فهم این خواست نامشروع باید امکانات عملی برآوردن این آرزو را مطالعه کنیم:

- ۱- تغییری با این بزرگی و دگرگونی باید توسط یک لویه جرگه به اکثریت آراء منظور شود که نه تنها حکومت را تعلیق کند بلکه قانون اساسی را تعدیل کلی نماید.
- ۲- در قانون اساسی فعلی که اکثر شاملین این مجلس در آن امضاء نموده اند صلاحیت ها و شرائط انعقاد لوی جرگه تصریح شده.
- ۳- آیا لوی جرگه به فتوای شیخ المشایخ صبغت الله مجددی دائر شده می تواند؟

■ ۴- آیا ملت تا این حد جاهل و بی خبر است که نماینده های خود را به دستور این قماش به لوی جرگه ای که قانونی نیست ارسال نمایند.

■ ۵- اما هر یک از این اشخاص شامل جلسه پیروانی دارند و برای انعقاد یک جرگه نه لوی جرگه کافی باشند.

■ ۶- امکان دیگر انعقاد جرگه اضطراری به شمول پیروان تنظیمی ها چپی ها و راستی ها است و اما فیصله و امکانات تطبیق آن جداً قابل سؤال است و مخصوصاً حمله مسلحانه طالبان، و اگر حکومت بر حال باشد حق اتخاذ هر نوع ترتیبات امنیتی داشته و اگر جرأت و شهامت باشد حق محاکمه و مؤاخذه را دارد.

■ ۷- امکان دیگر به راه انداختن یک قیام ملی بر ضد حکومت است، که با داشتن خاطرات زنده از این قماش و موجودیت ۱۴۰۰۰ سپاه خارجی مردم در آن سهم نمی گیرند.

■ ۸- سقوط حکومت توسط کودتای نظامی است که به طور قطع نا ممکن به نظر می آید.

البته اقدامات تخریبی آغاز و دفاتر انتخابات را در ولایات می بندند.

اگر کدام دلیل مهم و عاجل دیگر نباشد این اشخاص برای آینده به یک توافق برسند و ده نفر را به حیث نماینده خود در انتخابات ریاست جمهوری کاندید نمایند. این که تا حال صبر کرده اند برای چند ماه دیگر دندان بالای دندان گیرند و حوصله نمایند.

اما حدس و گمان پای احتمال دیگری را می کشاند که چنین واهمه و عجله را آفریده آن عبارت از مذاکرات جاری امریکا در قطر با طالبان و تماس های سیاسی با پاکستان است که شاید به توافقی برسد.

این بحث علیحده است که در آینده آن را با جوانب نیدخل آن مطرح خواهم کرد.

